



Volume 2, Issue 4, 2022

Guaranteeing the Victim's Right to Be Present in the Proceedings of the International Criminal Court

Leila Khalili Samani¹, Mahdi Momeni*², Alireza Milani³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Humanity, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law, University of Payame Noor, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 33-45

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3166-1787

TELL: +982335256001

Email: drmomeni.law@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 10 Oct 2022

Revised: 09 Nov 2022

Accepted: 25 Nov 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

Victim's Rights, Criminal Proceedings, Victim, International Criminal Court.

ABSTRACT

The Statute of the International Criminal Court allows the victims whose personal interests have been damaged by the occurrence of crimes under the jurisdiction of the Court, under certain conditions, to participate in the proceedings. This issue has been explained more precisely in the provisions of the court's rules of procedure and evidence, as well as the judicial procedure of this authority. Also, the intervention of the victims in the criminal proceedings before the court has been specified. The focus on the rights of the victims and issues related to them in the International Criminal Court is much more than in the courts of Yugoslavia and Rwanda. Attention to the rights of victims has increased in international and internationalized criminal authorities that were established after the International Criminal Court. In total, there are two approaches regarding the provisions of the Court's statute regarding the participation of the victims; The first point of view has a positive view of this issue, but the second point of view considers this participation as having bad effects on international criminal proceedings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Khalili Samani, L; Momeni, M & Milani, AR (2022). "Guaranteeing the Victim's Right to Be Present in the Proceedings of the International Criminal Court" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 33-45.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

تضمین حق حضور بزهدیده در فرایند دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی

لیلا خلیلی سامانی^۱، مهدی مؤمنی^{۲*}، علیرضا میلانی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق کیفری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اسلام‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به قربانیانی که منافع شخصی آنها از رهگذر وقوع جرایم در صلاحیت دیوان، آسیب‌دیده، تحت شرایطی اجازه مشارکت در جریان دادرسی را می‌دهد. این بیان کلی، در مقررات قواعد دادرسی و ادله دیوان و نیز رویه قضایی این مرجع، دقیق‌تر تبیین شده و چگونگی مداخله بزهدیدگان در فرایند دادرسی کیفری نزد دیوان مشخص شده است. تمرکز بر حقوق بزهدیدگان و مسایل راجع به آنان در دیوان بین‌المللی کیفری بسیار فراتر از دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا است. رویکرد به حقوق بزهدیدگان در مراجع کیفری بین‌المللی و بین‌المللی شده‌ای که بعد از دیوان بین‌المللی کیفری تأسیس شده‌اند نیز بیشتر شده است. در مجموع دو نگاه درخصوص مقررات اساسنامه دیوان در باب مشارکت بزهدیدگان مطرح است؛ دیدگاه اول نگاهی مثبت به این موضوع دارد؛ اما نگرش دوم، این مشارکت را واجد آثار سوء بر دادرسی کیفری بین‌المللی تلقی می‌کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۳-۴۵

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۱۷۸۷-۳۱۶۶-۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۲۳۳۵۲۵۶۰۰۱

ایمیل: drmomeni.law@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بزهدیده، دادرسی کیفری، بزهدیده، دیوان کیفری بین‌المللی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



مقدمه

بوون/بسیونی^۲ یاد می‌شود و همچنین رویه قضایی محاکم بین‌المللی حقوق بشر، تمسک جسته است.^۳

رویه قضایی دیوان، ایراد آسیب به شخص حقیقی را شامل ایراد ضربه، جراحت و خسارت که دربردارنده لطامت مادی، جسمی و روحی (یا عاطفی) است، دانسته است. البته فرد باید شخصاً متحمل آسیب شده باشد. به عبارت دیگر، لطمه شخصی یا فردی، ملاک تعیین بزه‌دیدگی است. ولی این بدان معنا نیست که در مقررات دیوان فقط بزه‌دیدگان مستقیم کسانی که جنایت مباشرة نسبت به ایشان رخ داده است، داخل در تعریف شده‌اند، بلکه بزه‌دیدگان غیر مستقیم از قبیل اعضای خانواده متوفی یا کودک-سربازان، نیز ذیل تعریف بزه‌دیده می‌گنجد.

رویه قضایی دیوان درخصوص اینکه فرد متوفی هم می‌تواند مصداق تعریف قربانی قرار گیرد، متفاوت است؛ برخی شعب مقدماتی^۴ متوفیان را داخل در تعریف و برخی خارج از آن دانسته‌اند.^۵

نکته شایان توجه دیگر اینکه، لطمه وارد شده به بزه‌دیده باید ناشی از جرایم مشمول صلاحیت ذاتی، سرزمینی و زمانی دیوان باشد. طبق رویه قضایی دیوان، ادله اثباتی، برای ایراد آسیب و ارتباط آسیب وارد شده با جرم موضوع دادرسی لازم

قربانیانی که منافع شخصی آنها به دلیل وقوع جرم آسیب‌دیده است، تحت شرایطی اجازه مشارکت در جریان دادرسی را در دیوان کیفری بین‌المللی دارا هستند. در این مقاله ابتدا مفهوم و جایگاه بزه‌دیده در سنجه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری بررسی شده و سپس پیشینه این حق، ادله موافقان و مخالفان حضور بزه‌دیده در دیوان و شرایط اعمال آن بررسی خواهد شد.

۱- مفهوم و جایگاه بزه‌دیده در سنجه مقررات دیوان

بین‌المللی کیفری

۱-۱- مفهوم بزه‌دیده

تعریف عام مقررات دیوان از بزه‌دیده، از اعلامیه بزه‌دیدگان مصوب سال ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرفته شده است. این تعریف، در هر سه حوزه‌ای که در اساسنامه برای حقوق بزه‌دیدگان مقرراتی پیش‌بینی شده است، یعنی: حوزه حمایت از بزه‌دیدگان، زمینه مشارکت آنان در فرایند دادرسی و جبران خسارت، به یکسان کاربرد دارد. قواعد دادرسی و ادله دیوان، اشخاص حقیقی و حقوقی را با وجود شرایطی تحت عنوان قربانی، شناسایی کرده است.

بنابر ماده ۸۵ قواعد دادرسی و ادله دیوان، بزه‌دیده کسی است که «آسیب»^۱ دیده است. مقررات دیوان از مفهوم «آسیب» تعریفی به‌دست نمی‌دهد؛ لذا مفهوم یاد شده تاب تفاسیر مختلف را دارد. دیوان در قضیه لوبانگو برای تعریف این مفهوم، به قطعنامه سال ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «اصول بنیادین و راهنمای ناظر بر حق بزه‌دیدگان بر دریافت غرامت و جبران خسارت بابت نقض‌های فاحش مقررات بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۱) که اصطلاحاً از آن به «اصول فون

^۲ - Van Boven/Bassiouni Principles

^۳ - Iubanga Case No. ICC-01/04-01/06-1119, para. 92, & Case No. ICC-01/04-01/06-1432, Judgment on the Appeals of the Prosecutor and the Defence against Trial Chamber I's Decision on Victims' Participation of 18.1.2008, Appeals Chamber, 11 July 2008, paras. 20 and 33.

^۴ - Situation in Darfur, Case No. ICC-02/05-111-Corr Corrigendum to Decision on the Applications for Participation in the Proceedings of Applicants a/0011/06 to a/0015/06, a/0021/07, a/0023/07 to a/0033/07 and a/0035/07 to a/0038/07, Pre-Trial Chamber I, 14 December 2007, para. 36.

^۵ - Prosecutor v. Bemba Gombo Case No. ICC-01/05-01/08-320, Fourth Decision on Victims' Participation, Pre-Trial Chamber III, 12 December 2008, para. 40.

^۱ - Harm

است، حسب مورد از قضیه‌ای به قضیه دیگر، متفاوت است و نمی‌توان قاعده‌ای کلی برای همه موارد در نظر گرفت.^۱

مطابق بند ۲ ماده ۸۵ قواعد دادرسی و ادله دیوان، «قربانیان ممکن است سازمان‌ها یا مؤسساتی باشند که هر یک از اموالشان که به امور مذهبی، آموزشی، هنری و علمی یا خیریه اختصاص یافته و یا بناهای تاریخیشان یا بیمارستان‌هایشان یا سایر اماکن و اموال آنها که به اهداف بشر دوستانه اختصاص یافته، متحمل لطمه مستقیم شود». بنابراین اشخاص حقوقی نیز تحت شرایطی می‌توانند، بزه‌دیده قلمداد شوند.

۱-۲- جایگاه بزه‌دیده

مقررات اساسنامه و آیین دادرسی و ادله دیوان، برخلاف دو دادگاه موقت پیشین، امکان حضور مستقل قربانیان در جریان دادرسی را فراهم آورده است.^۲ شعب مختلف دیوان اعم از مقدماتی، بدوی و تجدیدنظر حسب مورد، بر چگونگی استیفای حق دادخواهی قربانیان نزد دیوان، نظارت دارند. یکی از ملاحظات، ایجاد توازن بین حقوق بزه‌دیدگان و حق متهم بر دادرسی عادلانه است. با وجود پذیرش حضور بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی کیفری دیوان، اما بزه‌دیده از جایگاه شاکی و مدعی خصوصی در نظام‌های دادرسی حقوق نوشته، برخوردار نیست. (دیهیم، ۱۳۹۲: ۸۵)

به‌واسطه تعدد بزه‌دیدگان در جرایم بین‌المللی، در عمل امکان حضور همه آنان در دیوان وجود ندارد. بعلاوه، تشریفات راجع به تصمیم‌گیری درخصوص تجویز حضور بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی نیز می‌تواند به کندی جریان دادرسی بیافزاید. این تشریفات، وقت گیر و هزینه بر است. میزان مشارکت بزه‌دیدگان به موازات فعالیت دیوان، در طول یک دهه گذشته

افزایش یافته است. در جریان رسیدگی به قضیه لوبانگا، به ۱۲۳ بزه‌دیده اجازه حضور در جریان دادرسی داده شد. (ICC- ASP/10/39, 2011: 6) در قضیه کاتانگا و سایرین نیز ۳۶۶ قربانی به واسطه وکلایشان در جریان رسیدگی حاضر بودند. در قضیه گمبو، نزد شعبه سوم بدوی نیز تا اکتبر ۲۰۱۱ تعداد ۱۶۱۸ قربانی، مجاز به حضور در فرایند دادرسی شده‌اند.

تا اگوست ۲۰۱۱ نیز ۱۰۸۹ بزه‌دیده تقاضای حضور در جریان رسیدگی به وضعیت ساحل عاج را نزد شعبه سوم مقدماتی ثبت کرده‌اند. از اکتبر ۲۰۱۰ تا اکتبر ۲۰۱۱ تعداد مواردی که دفتر معاضدت قضایی بزه‌دیدگان، وکالت بزه‌دیدگان را در قضایا و وضعیت‌های مطرح شده نزد دیوان برعهده داشته‌اند، ۸۲ درصد نسبت به سال قبل، افزایش یافته و تا آن تاریخ وکالت ۲۱۱۹ قربانی را این نهاد عهده‌دار شده است. (ICC- ASP/10/39, 2011: 97)

نخستین بار در جریان رسیدگی به وضعیت در جمهوری دموکراتیک کنگو، شعبه اول مقدماتی اجازه داد که وکلای بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی درخصوص وضعیت مذکور حتی پیش از آنکه دادستان، مظنون یا متهمی را تشخیص دهد و پرونده یا قضیه‌ای را مطرح کند، به نمایندگی از موکلانشان حاضر شوند. برخی قاضی کلد ژوردای فرانسوی، رئیس شعبه اول مقدماتی را مروج شیوه دادرسی منبعث از سنت دادرسی حقوق نوشته، از جمله فرانسه که در آن بزه‌دیدگان، به‌طور فعال در دادرسی کیفری حاضرند، دانسته‌اند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۱۱۹) این موضوع که شعبه اول مقدماتی، تصمیماتش درخصوص تجویز حضور بزه‌دیدگان را قابل تجدیدنظر خواهی ندانسته است، نشان از هم عقیده بودن سایر قضات شعبه با رئیس شعبه دارد.

حق عام بزه‌دیده بر حضور در فرایند دادرسی، نباید با دیگر اقدامات حمایتی از بزه‌دیدگان و جبران خسارت خلط شود. در این زمینه‌ها خود قربانیان حق ارائه تقاضا و طرح دعوی داشته و طرف دعوی محسوب می‌شوند. در مواقعی که به مجنی‌علیه، حق حضور در جریان دادرسی دارد، آنها طرف دعوی محسوب نمی‌شوند و حقوق شان به عنوان اشخاص

^۱ - Prosecutor v. Kony et al. Case No. ICC-02/04-01/05-371, Judgment on the Appeals of the Defence against the Decisions Entitled "Decision on Victims' Applications for Participation a/0010/06, a/0064/06 to a/0070/06, a/0081/06, a/0082/06, a/0084/06 to a/0089/06, a/0091/06 to a/0097/06, a/0099/06, a/0100/06, a/0102/06 to a/0104/06, a/0111/06, a/0113/06 to a/0117/06, a/0120/06, a/0121/06 and a/0123/06 to a/0127/06" of Pre-Trial Chamber II, Appeals Chamber 23 February 2009, para. 38.

^۲ - بند ۳ از ماده ۱۵، بند ۳ از ماده ۱۹ و بند ۳ از ماده ۶۸ اساسنامه و مواد ۸۳ تا ۹۳ قواعد دادرسی و ادله دیوان.

دادگاه‌های صالح داخلی لبنان صورت گیرد و دادخواهی برای جبران خسارت مشمول صلاحیت دادگاه ویژه نیست.^۲

۲- پیشینه حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی

اعلامیه بزه‌دیدگان ۱۹۸۵ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نقطه عطفی در اسناد بین‌المللی با موضوع به رسمیت شناختن نقش و جایگاه بزه‌دیدگان است. «اصول راهنمای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم» مصوب سال ۲۰۰۵ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (اکوسوک)^۳ نیز از جمله اسناد بین‌المللی است که به‌نحو محدودتر به مسأله بزه‌دیدگان در جریان دادرسی کیفری می‌پردازد. در کنار این اسناد بین‌المللی و نیز برخی اسناد منطقه‌ای از جمله مصوبات قدیم و جدید شورای اروپا^۴ و اتحادیه اروپا^۵ نیز به طرح مسأله بزه‌دیدگان در عدالت کیفری بین‌المللی کمک نمودند.

همزمان با تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی موردی، در دهه ۱۹۹۰ میلادی الگوهای مختلفی از مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی محل بحث و بررسی قرار گرفت. بی‌شک یکی از اهداف جامعه بین‌المللی از تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی، التیام آلام قربانیان کشتارها و جنایات بین‌المللی است. با این حال، جبران لطمات به قربانیان شکل واحدی ندارد و می‌توان اشکال متفاوتی را برای آن متصور شد. به‌علاوه این وظیفه را نمی‌توان تنها بر دوش یک مرجع یا محکمه بین‌المللی یا داخلی نهاد.

^۲ Agreement between the United Nations and the Lebanese Republic on the Establishment of a Special Tribunal for Lebanon, S/RES/1757 (2007), 30 May 2007, Annex, Article 17.

^۳ Guidelines on Justice in Matters involving Child Victims and Witnesses of Crime, ECOSOC resolution 2005/20, 22 July 2005.

^۴ European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes, 24 November 1983; Recommendation of the Committee of Ministers to Member States on the Position of the Victim in the Framework of Criminal Law and Procedure, 28 June 2005 (R(85)11).

^۵ Council Framework Decision on the Standing of Victims in Criminal Proceedings, 2001/220/JHA, 15 March 2001; Council Framework Decision on Combating Trafficking in Human Beings, 2002/629/JHA, 19 July 2002.

حاضر در فرایند دادرسی، مقید به شرایطی است. (شریعت باقری، ۱۳۷۸: ۹۳)

اولین تصمیمات دیوان، ناظر بر حق حضور بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش از محاکمه است. دکترین نیز با توجه به این رویه قضایی به مسأله حضور قربانیان در فرایند دادرسی توجه نشان داده است. با توجه به اینکه تصمیمات راجع به مشارکت بزه‌دیدگان در زمره قرارهای اعدادی است که تنها در صورت موافقت مرجع تصمیم‌گیرنده، قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد و با توجه به اینکه شعب دیوان در پذیرش و تجویز حق تجدیدنظر خواهی اعدادی محتاطانه عمل می‌کنند. (Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Case No. ICC-01/04-01/06-925) شعب تجدیدنظر، کمتر مجال اظهار نظر در این خصوص را داشته‌اند. با وجود این، به واسطه تشدت در رویه قضایی شعب مقدماتی و بدوی دیوان، مداخله شعب تجدیدنظر در این قضیه در مواردی لازم شده است و دیوان آرای پژوهشی نیز در موضوع مشارکت بزه‌دیدگان، از جمله در همان قضیه لوبانگو، در سوابق خود دارد.

مراجع کیفری بین‌المللی یا بین‌المللی شده‌ای که بعد از دیوان بین‌المللی کیفری متولد شدند، با تأسی به رویکرد دیوان نسبت به بزه‌دیدگان، حقوق بزه‌دیدگان را برای مداخله در فرایند دادرسی کیفری به رسمیت شناخته‌اند. شعب فوق‌العاده کامبوج، تأکید فراوانی بر حضور بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی و حق ایشان بر اقامه دعوی بابت جبران خسارت معنوی یا جمعی دارد.^۱ دادگاه ویژه لبنان نیز با اقتباس از مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، برای بزه‌دیدگان، حق حضور و مشارکت در فرایند رسیدگی کیفری قایل شده است. طبق مقررات دادگاه ویژه لبنان اقامه دعوی خسارت باید نزد

^۱ - مواد ۲۳، ۲۳ مکرر، ۲۳ مکرر مکرر، ۲۳ مکرر مکرر مکرر و ۲۳ مکرر مکرر مکرر قواعد داخلی شعب فوق‌العاده کامبوج، مقررات مفصلی در خصوص حق حضور و مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی و نیز مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم وضع کرده است.

اساسنامه درخصوص بزهدیدگان به‌ویژه حق مشارکت آنان در دادرسی کیفری را تجربه‌ای که می‌تواند اثرات سویی بر نظام نوپا و متزلزل دادرسی کیفری بین‌المللی داشته باشد، قلمداد می‌کند. (Zahar & Göran, 2007: 75)

۳- توجیهات موافقان و مخالفان مشارکت بزهدیده در فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی

از لحاظ نظری درخصوص نقش بزهدیدگان در فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی اختلاف نظر وجود دارد. همدلی مکاتب فکری گوناگون با بزهدیدگان به درجات مختلفی در نوسان است. نحل‌های فکری طرفدار عدالت انتقامی و سودباوران تمایل دارند که بزهدیدگان در پشت جبهه فرایند دادرسی کیفری قرار گیرند، در حالی که حامیان عدالت ترمیمی خواستار نقش بیشتر بزهدیدگان در فرایند دادرسی هستند. (Heikkilä, 2004: 23)

با وجود آنکه در برخی نظام‌های دادرسی داخلی حقوق بزهدیدگان در جریان دادرسی کیفری با اصول دادرسی‌های ترافعی به نحوی از انحاء جمع شده‌اند و دیوان می‌تواند در فعالیت خود از این نظام‌ها الهام گیرد، ولی سیاق مشارکت بزهدیدگان در مقررات دیوان، بدیع و منحصر به فرد است و هنوز امکان تکامل تدریجی برای آن مهیا است. شرکت‌دادن بزهدیدگان در فرایند دادرسی وظیفه‌ای سترگ و هزینه‌بر است. معضلات متعددی درخصوص مشارکت بزهدیدگان در فرایند دادرسی وجود دارد: تعداد بزهدیدگان در جرایم بین‌المللی نوعاً بسیار زیاد است؛ برای ورود آنها احتیاج به تنظیم و ارائه درخواستی مفصل با ذکر جزئیات و شرایط ورود به دعوی است و متعاقب آن شعب دیوان باید با دقت شرایط بزهدیدگان را بررسی و در نهایت بر جواز یا منع ورود آنان تصمیم بگیرند؛ گاه در یک قضیه یا وضعیت چندین تصمیم قضایی درخصوص ورود و حضور بزهدیدگان اتخاذ می‌شود که برخی در بدو تحقیقات مقدماتی و صرفاً بنابر فرض اینکه متقاضیان احتمالاً قربانی به حساب می‌آیند، اتخاذ می‌شوند. هرچقدر که دادستان، وکلای مدافع متهمان و شعب تجدیدنظر به دنبال تحدید مشارکت بزهدیدگان در دادرسی هستند، اکثر شعب مقدماتی و بدوی دیوان به قصد تمهید شرایط حضور واقعی و

از آنجایی که آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی و رواندا ساختار و ماهیتی متمایل به سنت کامن‌لا داشت، در نتیجه نقش بزهدیدگان نیز در جریان رسیدگی‌های این دو دادگاه محدود بود. نقش بزهدیدگان در دادرسی‌های دادگاه‌های موردی، حضور در جایگاه شهود و گواهی دادن بر آنچه بود که بر ایشان و دیگران گذشته بود. این نقش به حدی محدود بود که حتی طرف دعوی استرداد اموال نیز نبودند و چنانچه مسأله استرداد اموال بزهدیدگان پیش می‌آمد، دادستان و یا شعبه رسیدگی‌کننده، رأساً در این امر پیش‌قدم می‌شد.^۱

این نقش فرعی و کم‌رنگ بزهدیدگان در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا مورد انتقاد قرار گرفت. به طور مثال حین ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی، دولت فرانسه با اشاره به اینکه یکی از اهداف تأسیس مراجع کیفری بین‌المللی ارمغان آوردن عدالت برای بزهدیدگان است، از عدم کفایت نقش فرعی بزهدیدگان در تحقق چنین هدفی لب به شکوه گشود. (Doak, 2005: 98)

با وجود تجربه دادگاه‌های موردی، پذیرش نقش به‌نسبت پررنگ بزهدیدگان در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قالب مقررات ناظر بر حمایت از بزهدیدگان، مشارکت آنان در فرایند دادرسی و جبران خسارت، به سادگی محقق نشد. موضوع چگونگی مشارکت و حضور بزهدیدگان در جریان مذاکرات منتهی به انعقاد اساسنامه دیوان در زمره موارد مناقشه برانگیز بود. (Löffelmann, 2006: 270) در نهایت از جمع نظرات گروه‌های مختلف، مقررات ناظر به بزهدیدگان در اساسنامه دیوان تدوین شد. در مقایسه با مقررات و رویه قضایی دادگاه‌های موردی پیشین درخصوص حقوق بزهدیدگان، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای به حساب می‌آید. یک دیدگاه بر این باور است که مقررات دیوان بین‌المللی کیفری در زمینه حضور و مشارکت بزهدیدگان خروج از دایره عدالت انتقامی محض بوده است. (Claude & de Hemptinne, 2008: 312) در مقابل، دیدگاه دیگر، الگوی مقرر در

^۱ - ماده ۱۰۵ مشترک قواعد دادرسی و ادله دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

جمله ایجاد احساس عدالت در قربانیان آسیب‌دیده، ایجاد حس احترام و شرافت در بزه‌دیدگان، مطمئن ساختن قربانیان از اینکه حقیقت جنایات برملا شده و مرتکبان به کیفر اعمال شان رسیده‌اند. (Katanga and Ngudjolo Chui, Case) (No. ICC-01/04-01/07-474, paras. 31-44.

همچنین مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی می‌تواند نهمی باشد به مرتکب تا به خوبی دریابد چه لطمات و صدماتی به دیگران وارد ساخته است. اهداف دیگری، که برای قربانیان جنبه ترمیمی دارد نیز می‌توان به این فهرست افزود. در هر صورت با وجود آنکه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری امکان مشارکت و حضور بزه‌دیدگان در جریان دعوی کیفری را ایجاد کرده است، ولی نباید از نظر دور داشت که تمسک کلیه بزه‌دیدگان به چنین حقی عملاً مقدور نیست و چنانچه محدودیتی بر این حق ایجاد نشود، ممکن است موجبات توقعات نابجای بزه‌دیدگان را فراهم آورد و در صورت برآورده نشدن این توقعات ناخرسندی آنان را به‌همراه آورد. در نهایت باید گفت توقع اینکه دیوان کیفری بین‌المللی عدالت را تمام و کمال در حق بزه‌دیدگان اجرا نماید، تصویری غیرواقع بینانه و عملاً متعذر خواهد بود. به هر حال، دیوان تنها مرجع و ملجاء جبران خسارت و التیام آلام بزه‌دیدگان نیست. صرف تأسیس مرجع کیفری دائم بین‌المللی بدین معنا نیست که این مرجع می‌تواند تمام وظایف سازمان‌ها و نهادهای عریض و طویل دولتی و عمومی در سطح ملی را در سطح بین‌المللی بر دوش گیرد و از عهده توقعات بزه‌دیدگان در آید.

۴- شرایط اعمال حق مشارکت بزه‌دیده در دادرسی

اساسنامه دیوان مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی را حق ایشان دانسته است.^۱ در عین حال تعیین شیوه، مقطع زمانی و گستره اعمال این حق، به صلاحدید شعب قضایی دیوان در مراحل مختلف دادرسی واگذار شده است. قضات برای تجویز مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی باید وجود عوامل و شرایطی را احراز کنند؛ نخست آنکه اشخاص متقاضی مشارکت، طبق مقررات دیوان "بزه‌دیده" محسوب می‌شوند یا

معنادار بزه‌دیدگان در جریان دادرسی رویکردی گشاده‌دستانه نسبت به این موضوع در پیش گرفته‌اند. به‌رحال رویه قضایی در حال نضج‌گیری دیوان، تاکنون یکدست و هماهنگ نبوده و پرسش‌های فراوانی را درخصوص نقش بزه‌دیدگان و ارتباط ایشان با اصحاب دعوی، حقوق متهمان و کارآیی محاکمات دامن زده است.

بحث دیگر این است که آنچه در دیوان مجرا است تا چه حد ضامن حضور شخص بزه‌دیدگان و نه وکلا و حقوقدانان به نمایندگی از ایشان در جریان دادرسی‌ها است. به هر روی، دیوان برای خلق سازوکاری کارآمد، نیازمند آزمودن روش‌های متفاوت است تا در خلال آن، الگوی مناسب حضور و مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی نضج گیرد و مستحکم شود. هنوز زود است تا قضاوت کنیم که تأسی به عدالت ترمیمی در دیوان به دشواری‌هایی که ایجاد کرده می‌ارزد یا خیر؟ البته تا اینجا می‌توان گفت که دیوان خود به این مسأله توجه جدی مبذول داشته است. (Muttukumar, 1399: 491) به غیر از حضور و مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در وضعیتی شبیه به شاکای خصوصی، نظام جبران خسارت در دیوان نیز در نوع خود بدیع و بازتاب دهنده عناصر عدالت ترمیمی در سطح بین‌المللی است. این ویژگی هم مأخوذ از نظام‌های دادرسی مرسوم در کشورهای تابع سنت حقوق نوشته است که به مدعی خصوصی اجازه ارائه تقاضای جبران خسارت ناشی از جرم را به مرجع کیفری می‌دهد. (O'Hara, 2005: 261)

بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه در بیانی کلی، حق حضور و مشارکت بزه‌دیدگان را به‌منظور اعلام نظرات و دغدغه‌هایشان دانسته است. شاید اولین هدفی که برای مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی به ذهن متبادر شود، اجابت میل ایشان به انتقام‌کشی مشروع از مرتکبان جنایات علیه آنان است، ولی بسنده کردن به ارضای حس انتقام‌جویی بزه‌دیدگان در تعلیل حق بر مشارکت آنان، نگرستن به این حق از دریچه‌ای کوچک است.

یکی از اهداف عیان حق مشارکت بزه‌دیدگان، سهیم شدن در تعقیب متهم و دریافت غرامت و جبران خسارت است. با این حال، حق مشارکت اهداف دیگری را نیز در خود نهفته دارد از

^۱ - بند ۳ از ماده ۶۸.

چنین سببیتی، منعطف بوده است و به‌صراحت احراز سببیت را ارزیابی مقدماتی دانسته که در مراحل بعدی رسیدگی تأثیر ندارد و بر حقوق متهم خدشه وارد نمی‌کند (Bottiglierio, 2011: 131; Pieslak, 2014: 998).

ولی همچنان انتقاداتی به این شیوه وجود دارد و حذف این گونه بررسی‌ها از فرایند رسیدگی برای تجویز حضور متهمان، مطرح است (War Crimes Research Office, 2007: 63). یکی از مشکلات این است که قربانی جرمی خاص که نه تحقیقات درخصوص آن آغاز شده و نه متهمان به ارتکاب آن در حال تعقیب‌اند، می‌تواند در دادرسی‌های راجع به یک وضعیت حاضر شود. وقتی قضیه‌ای از دل وضعیت در دست بررسی بیرون آمد، آنگاه تازه باید میان آسیب وارد شده به قربانی و اتهام احتمالی متهم، پیوند وجود داشته باشد. تصمیم شعبه بدوی در قضیه لوبانگو که در ارزیابی معیار وجود منفعت شخصی قربانی، لزوم احراز پیوند میان آسیب و جرم در دست رسیدگی را مراعات نکرده بود، در شعبه تجدیدنظر نقض شد (Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-1119, paras. 93-95).

مفهوم منفعت شخصی عنصر مهم دیگری در تجویز مشارکت قربانی در جریان رسیدگی است. رویه قضایی دیوان تاکنون در تفسیر این مفهوم معیاری به دست نداده است. در این خصوص باید به چند نکته توجه کرد: نخست اینکه منفعت قربانی، در خلال مراحل رسیدگی نزد دیوان، دستخوش تحول می‌شود. زیرا منافع قربانیان بسیار عام و کلی است: به این معنا که «درخصوص جرایم مرتکبان تحقیق شده» و «مرتکبان شناسایی شوند». (Situation in Congo, Case No. ICC-01/04-101, para. 63). اما وقتی قضیه، از دل یک وضعیت بیرون می‌آید، ممکن است بتوان برای دسته‌ای از قربانیان، منفعت شخصی مشخص‌تری را در تعقیب مرتکب شناسایی کرد. نکته دیگر، پرهیز از فروکاستن منفعت قربانی به استحقاق دریافت غرامت، به نحوی است که نظام دادرسی انگلو-آمریکن عمل می‌کند. از نظر رویه قضایی دیوان چنین برداشتی از منفعت قربانی، تفسیر بسیار مضیقی است.

نه؟ دوم اینکه آیا منافع شخصی آنان از رهگذر وقوع جرم در دست رسیدگی، دستخوش تأثیر شده است؟ سوم اینکه آیا حضور قربانی در جریان دادرسی به مصلحت و مقتضی است؟ نهایت اینکه در صورت تجویز مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی، شیوه مشارکت وی در جریان رسیدگی، مخل و معارض با حق متهم بر دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه نباشد (والین، ۱۳۸۵: ۴۴).

در عمل شعب دیوان، شیوه‌ای دو مرحله‌ای برای انجام ارزیابی‌های چهارگانه یاد شده در پیش گرفته‌اند. ابتدا مجوز کلی حضور بزه‌دیدگان را در فرایند رسیدگی به یک وضعیت یا قضیه صادر می‌کنند، سپس بنا به رخ داده‌های فرایند دادرسی، در هر مورد به‌خصوص، اتخاذ تصمیم می‌کنند که اظهارات بزه‌دیدگان باید استماع شود یا نه؟

برای اثبات استحقاق به حضور در جریان دادرسی ادله متنوعی قابل پذیرش است. معیار اثباتی مقبول شعب دیوان در این خصوص، متفاوت بوده است. در حال حاضر و با غنی‌تر شدن رویه قضایی، معیار ارزیابی احراز شرایط، چیزی بین معیار اثباتی در نگاه اول^۱ و ارزیابی آزادانه است که بی‌شبهت به معیار اقتناع درونی (وجدانی) در حقوق فرانسه نیست (Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu (Ngudjolo Chui, Case No. ICC-01/04-01/07-357). البته برای احراز برخی موضوعات از جمله هویت قربانیان، معیار سخت‌گیرانه‌تری حاکم است.

بزه‌دیده برای دستیابی به مجوز مشارکت رسمی، باید مصداق تعریف مندرج در مقررات دیوان بوده و متحمل آسیب‌هایی از قبیل جرم تحت صلاحیت دیوان شده باشد (Situation in Congo, Case No. ICC-01/04-101, para. 79).

به‌علاوه، رابطه سببیت بین جرم و آسیب واردشده به قربانی نیز شرط است. با تکمیل‌تر شدن تحقیقات، احراز زود هنگام وجود رابطه سببیت میان جرم و لطمه وارد به قربانی، می‌تواند اصل براءت را خدشه دارد کند. چراکه به‌طور ضمنی حاکی از تقصیر متهم است. با وجود آنکه رویکرد شعب دیوان به احراز

^۱ - Prima Facie Test.

بخورد. معضل دیگر در این خصوص، جمع میان نقش‌های متعارض شاکی/شاهد بزه‌دیدگان است. تجویز مشارکت این قبیل بزه‌دیدگان، منوط به عدم تداخل حق مشارکت آنها با حق متهم بر دادرسی عادلانه است. (Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-1119, paras. 134) به علاوه رویه قضایی دیوان، امکان حضور وکیل قربانیان دارای وضعیت دوگانه شاهد/بزه‌دیده، در فرایندهای مختلف تحقیقات و دادرسی، از قبیل؛ آماده شدن برای ادای شهادت، ادای شهادت، اخذ اظهارات، انجام آزمایش‌های پزشکی و نیز اطلاع رسانی دادستان و وکلای متهم به نمایندگان حقوقی این قبیل شهود را، با توافق اصحاب دعوی، میسر دانسته است (Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Case No. ICC-01/04-01/06-13790).

به غیر از موارد چهارگانه فوق، مداخله بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی نزد دیوان بین‌المللی کیفری به واسطه نمایندگان حقوقی صورت می‌گیرد و به صورت مستقیم حق ارائه لوائح یا اظهارنظر شفاهی، ندارند. مواد ۹۰ و ۹۱ قواعد دادرسی و ادله دیوان بر این امر تأکید دارد (خالقی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

قربانیان در انتخاب وکیل آزاد هستند. در صورت تعدد قربانیان، آنها نماینده حقوقی مشترکی معرفی می‌کنند. در صورت لزوم، با مساعدت دبیرخانه نماینده مشترکی برای آنان تعیین می‌شود. دیوان می‌تواند برای معرفی وکیل بزه‌دیدگان مهلتی تعیین کند. در صورت عدم معرفی در مهلت قانونی، خود رأساً وکیلی برای ایشان برگزینند. در صورت لزوم دیوان بزه‌دیدگان را با ارائه فهرستی از نمایندگان حقوقی واجد شرایط یاری خواهد نمود و عندالاقضاء وکیل معاضدتی انتخاب خواهد شد (فضائلی، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

۵- حق بزه‌دیده بر حضور در کلیه مراحل دادرسی نزد دیوان کیفری بین‌المللی

حضور و مشارکت بزه‌دیدگان به مرحله خاصی از فرایند دادرسی نزد دیوان، محدود نیست. البته در هر مرحله از دادرسی، نوع نقش آفرینی بزه‌دیدگان متفاوت است.

(Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-1119,)
(paras. 98)

اصولاً توسعه در تعریف منفعت قربانیان در سطح بین‌المللی، باعث شناسایی حق حضور مستقل آنها در جریان دادرسی‌های محاکم بین‌المللی کیفری شده است، والا صرف درخواست ضرو زیان ناشی از جرم که از پیش حقی مسلم برای بزه‌دیدگان بوده است. به علاوه، یکی از معیارهای احراز منفعت قربانیان که البته چالش برانگیز هم هست، خواست و نفع ایشان در تعیین مجازات برای مرتکبان است (Baumgartner, 2008: 437).

معیار سوم، تجویز حضور بزه‌دیدگان، مقتضی بودن حضور آنان است. معمولاً اصحاب دعوی کیفری (متهم و دادستان) متعرض به مصلحت و مقتضی بودن مداخله و مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی می‌شوند. بنابراین ارزیابی این معیار در وهله اول در مقابل اعتراض‌های اصحاب دعوی به حضور بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد. البته سایر شرایط و اوضاع و احوال هم دخیل‌اند. شعبه مقدماتی در قضیه لوبانگا مشارکت بزه‌دیدگان را در شرایط امنیتی موجود در زمان رسیدگی، مقتضی ندانست (Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Case No. ICC-01/04-01/06-601).

در اغلب قضایای مطرح شده نزد دیوان، مقتضی بودن مشارکت، عمدتاً درخصوص شیوه مشارکت قربانیان و نه اصل مشارکت ایشان صورت گرفته است. (Situation in Congo, Case No. ICC-01/04-101, para. 101) در حالی که مقتضی و به مصلحت بودن اصل مشارکت بزه‌دیده، یک مسأله است و این که مداخله بزه‌دیده، به چه شیوه‌ای به مصلحت است، مسأله دیگری است. مسأله اول، باید حین تجویز حضور و مشارکت بزه‌دیده ارزیابی و احراز شود و مسأله دوم، ذیل شرط چهارم یعنی توازن میان مشارکت بزه‌دیده و حقوق متهم، می‌گنجد.

معیار اخیر، می‌تواند بر برخی از حقوق دفاعی متهم مؤثر باشد؛ از جمله بر حق متهم بر محاکمه بدون تأخیر ناموجه. برابری میان متهم و دادستان هم ممکن است با ورود قربانیان برهم

در رویه قضایی دیوان، شیوه مشارکت قربانیان در جریان تحقیقات مقدماتی با عبارتی مبهم از قبیل «استماع اظهارات ایشان» یا «ارائه لوائح» توصیف شده است. (Situation in Congo, Case No. ICC-01/04-101, para. 71) در رویه قضایی اولیه شعب مقدماتی، اشکال نامأنوسی از مشارکت بزه‌دیدگان پیش‌بینی شده بود. مثلاً به ایشان امکان می‌داد از شعب مقدماتی تقاضا نمایند رأساً درخصوص وضعیت، تحقیقات کنند. این امر با مقررات اساسنامه دیوان در تعارض است؛ چراکه وظیفه تحقیقات به دادستان دیوان تفویض شده است و مداخله مستقیم شعبه مقدماتی، امری استثنایی و محدود به موارد مصرح است. بر همین مبنای رویه قضایی شعب تجدیدنظر، این قبیل اشکال مشارکت را مردود شمرد. (Situation in Congo, Case No. ICC-01/04-101,) (para. 71)

۵-۳- حضور در مرحله رسیدگی بدوی

با گذار از مرحله بررسی «وضعیت» و به محض تشخیص مظنونان به ارتکاب جرایم و تشکیل «پرونده» یا همان «قضیه»، غالباً زمانی که برای مظنون قرار بازداشت و یا احضاریه صادر می‌شود. تعیین حدود و ثغور و میزان حقوق بزه‌دیدگان برای مشارکت در امر دادرسی و شیوه آن آسان‌تر می‌شود (رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

علی‌القاعده بعد از اینکه بزه‌دیده‌ای مستحق حضور در جریان رسیدگی به قضیه‌ای خاص شناخته شد، باید مستمراً و بی‌نیاز به کسب مجوز مجدد در کلیه مراحل بعدی رسیدگی به آن قضیه نزد دیوان حاضر باشد. اما رویه قضایی شعب مقدماتی دیوان، غالباً ارائه تقاضای مجزای حضور برای هر مقطع از دادرسی را لازم دانسته‌اند. رسیدگی شعبه مقدماتی برای صدور حکم جلب، جلسات استماع برای تأیید اتهامات و نیز محاکمه نزد شعبه بدوی، مقاطعی از دادرسی هستند که در آن برای بزه‌دیدگان منفعتی متصور است. بنابر تصریح اساسنامه، حین رسیدگی‌های راجع به صلاحیت و قابلیت استماع دعوی کیفری نزد دیوان، نیز بزه‌دیدگان محق به ارائه دیدگاه‌های خود هستند.^۳ اینکه بزه‌دیدگان در جریان دادرسی از چه حقوقی

۵-۱- حضور در مرحله شروع به تحقیقات دادستان طبق ماده ۱۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری قربانیان می‌توانند دادستان را از وقوع جرایم تحت صلاحیت دیوان آگاه کنند. این اطلاعات می‌تواند در تصمیم دادستان مبنی بر ارائه تقاضای صدور مجوز آغاز تحقیقات به شعبه مقدماتی مؤثر باشد (جانی‌پور و خانعلی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۵).

علاوه بر اعلام به دادستان، حضور بزه‌دیدگان در جریان رسیدگی شعبه مقدماتی به تقاضای دادستان برای آغاز تحقیقات، در بند ۲ ماده ۹۰ قواعد دادرسی و ادله پیش‌بینی شده است. همچنین در مواردی که دادستان بنا بر صلاحدید از به جریان‌انداختن تحقیقات و یا شروع تعقیب خودداری کند، قربانیان حق حضور در جریان بررسی تصمیم دادستان طبق بند ۳ از ماده ۵۳ در شعبه مقدماتی دارند. البته قربانیان رأساً نمی‌توانند از تصمیم دادستان بر عدم شروع تحقیق یا ترک تعقیب تجدیدنظرخواهی کنند. تنها پس از آنکه فرایند تجدیدنظر در تصمیم دادستان، حسب مورد به تقاضای دولت عضو، شورای امنیت و یا بنا بر صلاحدید شعبه مقدماتی، آغاز شد، می‌توانند در آن حاضر شوند.^۱

۵-۲- حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی

هرچند بند ۳ از ماده ۶۸ اساسنامه دیوان به حق بزه‌دیدگان برای حضور در جریان «رسیدگی‌های»^۲ دیوان اشاره دارد، اما رویه قضایی دیوان، حضور متهم در جریان تحقیقات مقدماتی راجع به یک «وضعیت» را نیز مجاز شمرده است. (Situation in Congo, Case No. ICC-01/04-101, para. 101) حضور قربانیان در مرحله تحقیقات مقدماتی محدود به مواقعی است که شعبه مقدماتی بنا بر اختیاراتش به موضوع‌های راجع به امر تحقیقات رسیدگی می‌کند. همچنین شعبه تجدیدنظر پیش‌بینی حق عام و کلی برای بزه‌دیدگان به منظور مشارکت در مرحله تحقیقات درخصوص یک «وضعیت» را صحیح ندانسته است. (Situation in Congo, Case No. ICC-01/04-101, para. 59)

^۱ - بند ۲ ماده ۹۲ قواعد دادرسی و ادله دیوان.

^۲ - Proceedings

^۳ - بند ۳ از ماده ۱۹ اساسنامه دیوان.

متهم و نیز حکم به جبران خسارت اطلاق می‌شود (Heikkil, 2004: 271). تصمیمات قضایی درخصوص غرامت‌خواهی و اقدامات حمایتی از بزه‌دیدگان، مصداق این دعوی هستند. در این موارد بزه‌دیده ذینفع واقعی تصمیم است؛ از این رو حق تجدیدنظرخواهی از تصمیمات مرجع مقدم را در مرجع بالاتر دارد.

در سایر فرایندهای پژوهش، حق عام بزه‌دیدگان بر حضور در فرایند دادرسی، با ضوابط و شرایط پیش‌گفته جاری است. حضور آنان در گرو تعیین این مسأله است که آیا منفعت شخصی ایشان در جریان پژوهش‌خواهی مورد نظر، متأثر خواهد شد یا نه؟ رویه قضایی دیوان حق حضور محدود در جریان رسیدگی پژوهشی به تصمیم بر آزادی موقت متهم را به رسمیت شناخته است (Prosecutor v. Thomas lubangaDyilo, Case No. ICC-01/04-01/06-601). بنابراین در هر مورد اولاً، باید تقاضای مجدد برای حضور در مرحله پژوهش‌خواهی ارائه شود. ثانیاً، پس از بررسی قضایی، تصمیم بر جواز یا منع حضور قربانی در مرحله رسیدگی پژوهشی اتخاذ می‌شود. بعد از آن است که بزه‌دیده حق حضور در مرحله رسیدگی پژوهشی را خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

حضور و مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی برای اولین بار در دیوان بین‌المللی کیفری پیش‌بینی شده است. این حضور به‌واسطه نمایندگان حقوقی بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد. در عین حال، دیوان مکلف به معاضدت قضایی بزه‌دیدگان ناتوان از پرداخت حق وکالت وکیل است. تعداد فراوان بزه‌دیدگان در جرایم مشمول صلاحیت دیوان و تمایل بسیاری از آنان برای مداخله در فرایند دادرسی باعث شده، منابع مالی دیوان بیش از پیش، صرف معاضدت قضایی بزه‌دیدگان شود. به‌علاوه تفسیر موسع رویه قضایی از دامنه و حدود حق مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی موجب شده هم، زمان فراوانی صرف رسیدگی به مسأله پذیرش یا رد تقاضای حضور ایشان در مراحل مختلف دادرسی شود و هم، بعد از تجویز حضور نمایندگان آنان، زمان فراوانی صرف بررسی درخواست‌های مختلف آنان شود. با وجود اینکه اعطای حق

برخوردارند، بحث جداگانه‌ای است. اساسنامه فقط به برخی حقوق کلی از قبیل اعلام زمان و نتیجه رسیدگی‌ها به بزه‌دیدگان و نیز دعوت از ایشان برای ثبت لوایح، بسنده کرده است. اگر بزه‌دیده‌ای بخواهد فعالانه تر در جریان دادرسی مثلاً در جلسات استماع حاضر باشد یا مطالبی را شفاهی به استحضار محکمه برساند، باید از طریق وکیل مداخله نماید.^۱

البته شعب دیوان دایره حقوق و مداخلات بزه‌دیدگان را از مقررات اساسنامه فراتر برده‌اند. برای آنان حق دسترسی به اسناد از جمله اسناد محرمانه، ارائه مطالب، حضور در جلسات علنی و گاه غیر علنی و حتی پرسش از شهود را پیش‌بینی کرده‌اند. (Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo (Chui, Case No. ICC-01/04-01/07-474)

حق بر پرسش از شهود با دامنه‌ای محدود در اساسنامه، پیش‌بینی شده است. مقصود، رعایت مقتضیات اقتصاد قضایی و اجتناب از فراخواندن مجدد شهود، بوده است (جانی‌پور و خانعلی‌پور، ۱۳۹۱: ۹۳). رویه قضایی شعب بدوی و تجدیدنظر در قضیه لوبانگو و شعبه مقدماتی در قضیه کاتانگا حق بر پرسش از شهود را به‌اندازه‌ای گسترش داده است که تبدیل به حق حضور و به چالش کشیدن ادله مجرمیت و برائت متهم و حتی قابلیت پذیرش ادله شده است. با وجود آنکه تصمیم شعبه بدوی در قضیه لوبانگو مبنی بر توسعه دایره مداخلات بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی در جریان رسیدگی پژوهشی تأیید شد، ولی قضات اقلیت شعبه تجدیدنظر به شدت با تصمیم ابرام شده شعبه بدوی مخالفت کردند. (Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-1119, paras. 108) می‌توان گفت اعطای چنین اختیارات وسیعی به بزه‌دیدگان، جایگاه آنها را به شاکی خصوصی در نظام رومی-ژرمنی نزدیک کرده است.

۵-۴- حضور در مرحله تجدیدنظر

مرحله رسیدگی پژوهشی به هر یک از تصمیمات قضایی دیوان اعم از قرارهای اعدادی و حکم به محکومیت یا برائت

^۱ - مواد ۹۱ تا ۹۳ قواعد دادرسی و ادله دیوان.

- جانی‌پور، مجتبی و خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۹۱). «چالش صلح و عدالت از منظر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱: ۳۵-۵۷.

- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۹۰). حقوق کیفری بین‌المللی. چاپ نهم، تهران: نشر میزان.

- خالقی، علی (۱۳۹۶). جستارهایی از حقوق جزای بین‌المللی. چاپ ششم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- دیهیم، علیرضا (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. چاپ ششم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- رضوی‌فرد، بهزاد و فقیه محمدی، حسن (۱۳۹۰). «تکامل حقوق بزهدیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان بین‌المللی کیفری». مجله حقوقی بین‌المللی، ۴۵: ۱۹۵-۲۳۳.

- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۷۸). صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی. در: دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴). دادگاه کیفری بین‌المللی. چاپ یازدهم، تهران: نشر دادگستر.

- والین، لواک (۱۳۸۵). «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان». ترجمه توکل حبیب زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۴: ۳۳-۵۶.

ب. منابع انگلیسی

- Baumgartner, E (2008). "Aspects of Victim Participation in the Proceedings of the

حضور و مشارکت در فرایند دادرسی به بزهدیدگان، به‌منظور ارتقای جایگاه آنان در دادرسی و زدودن نقش حاشیه‌ای آنها است، ولی در عمل باعث اطاله دادرسی و صرف هزینه فراوان شده است.

شناسایی بزهدیدگان غیرمستقیم از جمله خانواده قربانیان جرم به‌منظور شرکت در برنامه‌های ترمیمی با توجه به آنکه آثار ناشی از جرم به‌ویژه آسیب‌های معنوی بر این گروه، غیرقابل انکار است، باید مورد توجه قرار گیرد. توضیح این که اسناد دیوان تنها به بزهدیده مستقیم اشاره کرده است. اگرچه حمایت‌های در نظر گرفته شده در اسناد دیوان در بسیاری از موارد شامل بزهدیدگان غیرمستقیم نیز می‌شود اما لحاظ این گروه در تعریف بزهدیده حداقل از جنبه‌ی نمادین، می‌تواند امیدوارکننده باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله موارد مربوط به اخلاق در پژوهش، امانت‌داری در استناد به متون و نیز ارجاعات مقاله به صورت کامل رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش این مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در نگارش این اثر یاری رسانده‌اند، سپاس‌گذاری می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- جانی‌پور، مجتبی و خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۸۹). «ارجاع جنایات‌های بین‌المللی به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) توسط شورای امنیت و آثار آن». مجله مطالعات حقوقی، ۲: ۱-۳۶.

- Pieslak, S (2011). *The International Criminal Court's Quest to Protect Rape Victims of Armed conflict*. N.P: Ashgate.

- War Crimes Research Office (2007). *Victim Participation before the International Criminal Court, War Crime International Criminal Court Legal Analysis and Education Project*. Washington: Washington College of Law.

- Zahar, A & Göran, S (2007). *International Criminal Law A Critical Introduction*. Oxford: Oxford University Press.

ج. پرونده‌ها

- Katanga and Ngudjolo Chui, Case No. ICC-01/04-01/07-474, paras. 31–44.

- Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-1119, paras. 93-95.

- Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Case No. ICC-01/04-01/07-474.

- Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui, Case No. ICC-01/04-01/07-357.

- Prosecutor v. Thomas lubangaDyilo, Case No. ICC-01/04-01/06-601.

- Prosecutor v. Thomas lubangaDyilo, Case No. ICC-01/04-01/06-925.

- Situation in the Democratic Republic of Congo, Case No. ICC-01/04-101, para. 7

International Criminal Court”. *International Review of the Red Cross*, 870: 421-439.

- Bottigliero, I (2014). *Victims and the International Criminal Court. Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*. New York: N.P.

- Claude, J & de Hemptinne, J (2008). “The Status and Role of The Victim”. in: Cassese, A; Gaeta, P & Jones, J (eds.), *The Rome Statute of The International Criminal Court: A Commentary*, vol. 2, Oxford: Oxford University Press.

- Doak, J (2005). “Victims' Rights in Criminal Trials: Prospects for Participation”. *Journal of Law and Society*, 32: 98.

- Heikkil, M (2004). *International Criminal Tribunals and Victims of Crime: A Study of The Status of Victims Before International Criminal Tribunals and of Factors Affecting This Status*. Finland: Institute for Human Rights, ÅboAkademi University.

- Löffelmann, M (2006). “The Victim In Criminal Proceedings: A Systematic Portrayal of Victim Protection under German Criminal Procedure Law (Part I and 2)”. *The United Nations Asia and Far East Institute for the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders (UNAFEI), Resource Material Series*, 70: 262-270.

- Muttukumaru, Ch (1999). “Reparations to Victims”, in: Lee, R. *The International Criminal Court: the making of the Rome Statute: Issues, Negotiations, Results*, MartinusNijhoff Publishers.

- O'Hara, E (2005). “Victim Participation in the Criminal Process”. *Journal of Law and Policy*, 13: 261.